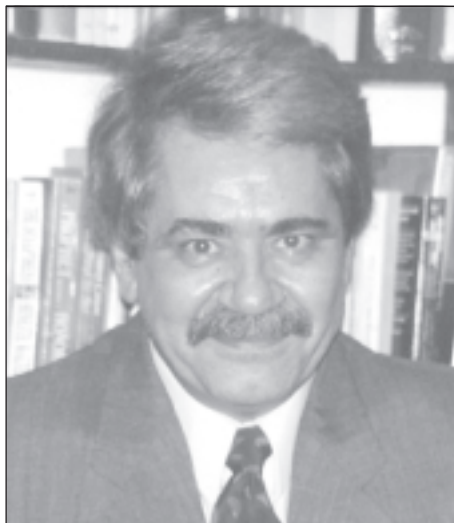


# در حاشیه خبرها

حسین جعفری- سن حوزه



شکل شوروی و اروپای شرقی است و برقراری رژیم مردمی و دموکرات که به ارزش انسان ها معتقد باشد. مردم ما به هیچ عنوان نباید در هیچ انتخاباتی شرکت کنند و تا زمانی که انتخابات در داخل ایران زیر نظارت نمایندگان سازمان ملل متحد قرار نگرفته هیچ ایرانی غیرتمندی نباید به پای صندوق رای برود. این رژیم غیرانسانی از شرکت گسترده مردم در انتخابات به عنوان ضابطه ای برای مشروعیت خود، به ویژه در مجامع بین المللی استفاده می کند. انتخاباتی که نامزدهای آن توسط شورای نگهبان و سایر نهادها فیلتر شده و برگزیده می شوند چرا اصلاً باید نام انتخابات به آن داد. اگر می خواهید به نیت اصلی گردانندگان این رژیم در مورد انتخابات پی ببرید، تنها به این گفته آیت الله خمینی توجه کنید که در انتخابات تعیین رژیم گفت "اگر بیست میلیون هم رای دهند که ما این یا آن نوع رژیم را می خواهیم من به جمهوری اسلامی رای خواهم داد نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر" یعنی شما هر چه بخواهید و به هر نوع رژیمی رای دهید رای نهایی با من است. این شیوه تفکر رهبران رژیم در طول سی سال گذشته بوده و هیچ تغییری هم نکرده است. زیرا می دانند اگر مردم آزاد باشند و آزادانه به نامزدهای دلخواه خود رای دهند و رای آنها شمرده شود هرگز یک نفر از این افراد انتخاب نخواهند شد. دیدید که در انتخابات نسبتاً آزاد پاکستان چه بلایی بر سر نامزدهای طرفدار پرویز مشرف آمد.

عدم شرکت در انتخابات یکی از ابزارهای بسیار مهم در دست مردم است که سوگمندها به نیروی آن پی نبرده اند. ما دیدیم حتی انتخاب افرادی چون خاتمی هم به نفع این رژیم غیرانسانی تمام شد و این شخص بی کفایت که آرای میلیون ها نفر را پشت سر خود داشت در مقابل گردانندگان رژیم هیچ اقدامی نکرد و رژیم را و وحشیانه تر از آنچه تحویل گرفته بود، تحویل جاننشین خود داد. هنگامی که مردم از بیم روی کار آمدن ناطق نوری به خاتمی رای دادند، شوکی به رهبران رژیم وارد شد و اعتماد به نفس خود را کاملاً از دست دادند. اما بعد که در مقابل خود فردی مطیع و بی اراده را دیدند اولاً تعداد شرکت کنندگان را که در حقیقت مخالفان رژیم بودند و با انتخاب خاتمی می خواستند به این رژیم تو ذهنی بزنند در عداد طرفداران رژیم قلمداد کردند و بعد سیاستی پیش گرفتند که نتیجه اش انتخاب کسی شد که دست رهبر را بوسید و برخلاف حرف هایی که زده بود عمل کرد. به میزان اعدام ها، سنگسارها، زندانی ها، کتک خورده ها و بی اعتباری ایران و ایرانیان در مجامع بین المللی نگاه کنید. انصافاً حکومت هاشمی رفسنجانی که پیش از خاتمی بر سر کار بود بهتر از حکومت احمدی نژاد نبود؟ اگر انتخاب افرادی چون خاتمی که در نهایت از خودشان است و میدانیم که چاقو هرگز دسته خود را نخواهد برید این باشد، اگر انتخاب کسی که دم از اصلاحات می زند و ترمین دموکراسی، منجر به روی کار آمدن حکومت خفقان آمیز احمدی نژاد باشد چرا مردم شریف و غیرتمند ایران گول این افراد را خورده و حتی

نکردید و این سعدها و شمرها و یزیدهای زمان را به محاکمه نکشیدید. مگر معتقد نبودید و بارها شما و همکاران شما اعلام نکرده بودند که همه جا کربلا و هر زمان عاشورا است؟ چرا گذاشتید دانشجویان بی گناه و پرشور که سرمایه این مملکت بودند در جریان وقایع تیرماه به آن صورت مورد حمله و هجوم عده ای از ددمنشان رژیم قرار گرفته و توسط بسیجی ها و لباس شخصی ها، آن بالاها برسر دانشجویان آورده شود و چشم آنها را در بیاورند و دانشجویان را از طبقات بالا به پائین پرت کنند و واقعه کربلا را تکرار کنند؟ وقتی جلاد اوین اسدالله لاجوردی پس از آن همه جنایات و تجاوز به دختران بی گناه مردم به مکافات خود رسید چرا از او تجلیل کردید و او را یکی از خدمتگزاران واقعی انقلاب و در عداد شهدا قلمداد کردید. مگر او کسی نبود که تجاوز به دختران باکره در زندان ها و شب پیش از اعدام آنها را باب کرد؟ آقای خاتمی شما بهتر است دم در کشید و از شرمساری اعمالی که کردید و کارهایی که نکردید سربلند نکنید. اسلامی که شما و همکارانتان داعیه دار آن هستند دین عشق است؟ آقا وقاحت حتی از نوع آخوندی آن هم حدی دارد.

## تحریم انتخابات

به نظر من یکی از اقدامات عاجل و ضروری گروههای مخالف رژیم در داخل و خارج از ایران آنست که هر نوع انتخابات اعم از انتخابات مجلس شورا، ریاست جمهوری و انجمن های شهری را تحریم کنند. مخالفان داخلی می بایستی سیاست تحریم را پیش گیرند و مخالفان خارج از ایران نیز تبلیغات وسیع و بی وقفه ای را به منظور تحریم انتخابات از سوی مردم داخل ایران و برای مدتی طولانی جزو برنامه های خود قرار دهند. من مخالف هر نوع انقلاب به ویژه از نوع خونین آن هستم، اما امید می کنم به دگرگون شدن روش این رژیم یا استحاله آن ندارم. راه حل نهایی فروپاشی این رژیم به

رفته رفته نام و خاطره اش از یادها برود، هراز گاهی در دل دلال مظلمه در آمده و اینجا و آنجا به ویژه در مجامع بین المللی تلاش دارد با حرف های خود، رژیم غیرانسانی و فزون وسطایی ایران اسلامی را بزک کرده و چنین وانمود کند که این رژیم به ذاته عیبی ندارد و حکومتی است برحق و عادل و موافق با موازین انسانی و حقوق انسانها، اما کسان دیگری در دیگر گوشه و کنار دنیا تلاش دارند تا چهره اسلام و مسلمانان را آنگونه که نیست وانمود کنند. این آقا رهبر غیررسمی اصلاح طلبان است و با آنکه شاهد بود نامزدهای اصلاح طلبان برای نمایندگی همین دوره مجلس، از الگ شورای نگهبان نگذشتند و مثل نخاله های ناچور به سویی افکنده شدند، اما چند روز پس از این حادثه هنگامی که در کنفرانس "داوس" سوئیس شرکت کرد، ضمن نقلی اظهار داشت که مسیحیت و اسلام ادیان عشق هستند و طرفدار حق و عدالت و عطف است، اما عده ای در جهان قصد دارند چهره اسلام را آنگونه که نیست نشان دهند.

اولاً پرسش من آنست که این آقا به چه عنوان به این کنفرانس دعوت شده است. آیا ایشان رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیر خارجه ... هستند و اصلاً آیا ایشان سمتی در جمهوری اسلامی دارند که به این گونه کنفرانس ها دعوت می شوند؟ او حتی مدتی پس از پایان دوره دوم ریاست جمهوری خود، خویشتن را از خدمات دولتی هم بازنشسته کرد. برگزار کنندگان این کنفرانس چرا دکتر عبدالکریم لاهیجی، شیرین عبادی، عیسی سحرخیز، دکتر ملکی یا یکی از مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی را به این کنفرانس دعوت نمی کنند که آنان چهره واقعی این رژیم اسلامی را برملا سازند؟

دوم شما که در یک مجمع بین المللی که در حکم بازار مسگرها برای شماسات صدای خود را بلند می کنید که اسلام دین عشق و عطف است، مگر در زمان استقرار همین رژیم شاهد نبودید که بیشترین تعدد ایرانیان در طول تاریخ بوسیله همین رژیم یا تصمیمات اشتباه همین رژیم جان خود را از دست دادند و به اموال و نوامیس آنان دست درازی شد؟ کشتاری که در طول این سی سال توسط این رژیم از مردم ایران شد، نه در حمله اسکندر، نه یورش وحشیانه عرب ها، و نه حملات غیرانسانی چنگیز و تیمور به این میزان نبود.

سوم شما که معتقدید اسلام دین رفت و مهربانی و عشق است، در دوره ای که در رأس تنها حکومت شیعه جهان قرار داشتید و حکومت عشق و رافت را اداره می کردید چرا گذاشتید آن همه از ایرانیان به صورت زنجیره ای کشته شوند و وقتی پی بردید که چه کسانی در این کارهای غیرانسانی و جنایات آشکار دست داشته اند، چرا دم در کشیدید و دست از آستین بیرون

## خاتمی و اسلام عشق

خاتمی رئیس جمهور سابق جمهوری اسلامی در طی دو دوره ریاست جمهوری خود، بدتر از هویدا نخست وزیر زمان شاه عمل کرد و نام خود را به عنوان رئیس جمهوری بی اراده، مطیع، بی شجاعت و تحت امر رهبر معرفی کرد. اگر هویدا در سمت نخست وزیری معروف شده بود که آلت دست شاه است و رئیس دفتری است که منتخب شاه است و هر چه فرمانده او دستور دهد بی چون و چرا عمل می کند و هر آن نیز با اشاره شاه از سمت خود بر کنار خواهد شد، کمالینکه دیدیم وقتی زمان کنار گذاشتن او فرارسید، شاه نه تنها او را کنار گذاشت، بلکه حتی برای نجات خود و پادشاهی، دستور دستگیری و زندانی شدن این مطیع ترین نخست وزیر دوران پس از مشروطیت را هم صادر کرد. اما این آقای خاتمی با هویدای دست به سینه چند فرق عمده داشت:

-اول آنکه وی میلیون ها رای پشت سر خود داشت و با انتخاب مردم به ریاست جمهوری برگزیده شده بود و با تلنگر رهبر نیابستی برکنار می شد. دست بالا آن بود که مجلس شورای اسلامی با اشاره رهبر رای به عدم صلاحیت او می داد و وی برکنار می شد.

-دوم همه میدانیم هویدا عاشق پست نخست وزیری بود و برای حفظ خود در این سمت حاضر بود دست به هر کاری بزند. اما خاتمی بارها راست یا دروغ اعلام کرده بود که من چندان علاقه ای به این سمت ندارم. حتی وقتی در دوره اول ریاست جمهوری خود به این نتیجه رسید که مرد این میدان نیست، باید خود را کنار می کشید و دیگر برای بار دوم آن هم با آه و اشک ریختن خود را نامزد سمت ریاست جمهوری نمی کرد و دست کم نیمه اعتباری برای نام خود باقی می گذاشت که حتی این کار را هم نکرد. یعنی با شجاعت نه گفتن نداشت یا دروغ می گفت و باز هم میخواست دوره ای دیگر مصدر کار باشد.

سوم- که از همه مهمتر است، هویدا خود را پیرو حسین بن علی نمی دانست که برای دفاع از حق و حقیقت و مبارزه با ظلم و ظالم در مقابل نابکاران بایستد و سمت خود یا دست بالا جان خود را از دست دهد. کما اینکه نایستاد اما جان خود را هم از دست داد. در حالیکه خاتمی جزو آن گروه از کسانی است که سیزده قرن مارا به مظلومیت حسین بن علی و حق طلبی او گریانند و ادعا کردند که هر مسلمان راستین به ویژه هر مسلمان شیعه متقی باید در برابر ظلم بایستد و اگر لازم باشد برای دفاع از حق و حقیقت و مبارزه با ظلم و بیدادگری جان خود و خانواده اش را نیز فدا سازد که خاتمی این کار را هم نکرد.

حال این آقای به جای آنکه دم در کشد و گوشه ای بنشیند تا

SETAREH MARKET



4644 Meridian Ave., San Jose, CA 95124

## فروشگاه مواد غذایی ستاره

تأمین کننده کلیه مایحتاج غذایی

محیطی تمیز و دوستانه در خدمت هموطنان عزیز



برنج تیلدا ده پاندی  
۹/۹۹ دلار



چای زرین با مخلوط ارل گری  
و یک بسته قند ۶/۹۹ دلار



رب گوجه فرنگی جودی  
۱/۹۹ دلار



روغن زیتون صدف ۲ لیتری  
۹/۹۹ دلار



قهوه ادنا یک پاندی  
۸/۹۹ دلار

مدیریت و کارکنان ستاره مارکت عید نوروز، عید آشوریان و عید پاک را به تمامی هموطنان محترم صمیمانه تبریک عرض می کنند



چای زرین محصول سیلان  
با عطر ارل گری  
۵/۹۹ دلار

دو تا بخريد و سومى را مجاناً دریافت کنید



سیخ کباب برای کوبیده با دسته ۱/۹۹ دلار  
پنج عدد بخريد و ششمى را مجاناً دریافت کنید

\*\*\*\*\*

سیخ کباب برای کوبیده بدون دسته ۹۹ سنت  
پنج عدد بخريد و ششمى را مجاناً دریافت کنید

قیمت های فوق تا تاریخ ۳۱ مارس اعتبار دارد

(408) 979-0634



چای زرین Tea Bag  
۴/۹۹ دلار

دو تا بخريد و سومى را مجاناً دریافت کنید